

# نگاهی گذرا به تاریخ سینمای مستند ایران

## مهدی کشاورز

اگرچه گاه در مقام سفارش و تولید برآمده، ولی هرگز جوابگوی نیاز این گونه‌ی سینمایی با همه‌ی وسعت و قدمت آن نبوده است. در چنین احوالی برگزاری جشنواره‌ی به نام جشنواره‌ی «سینما حقیقت» - که قرار بود سال گذشته آغاز شود و یک سال به دلیل مسایل اجرایی به تعویق افتاد - با یک تعریف بین‌المللی می‌تواند شکل‌دهنده‌ی یک حرکت خوب فرهنگی باشد، به شرط آن که بتوان بر استمرار و مسیر رو به رشد آن نیز امید داشت.

### لوساس، جشنواره‌ی با شور مستند

هفدهمین جشنواره‌ی فیلم‌های مستند «لوساس» فرانسه از چهاردهم تا بیستم اوت برگزار شد. در این جشنواره بیش از ۲۰۰ فیلم مستند از ۱۷۴ کارگردان سراسر جهان به نمایش درآمد.

لوساس، دهکده‌ی کوچکی در ارتفاعات جنوب شرقی فرانسه است. جمعیت آن از ۷۰۰ نفر بیش‌تر نیست و چون جایی برای اقامت و پذیرایی از مهمانان ندارد، حدود ۵ هزار سینمادوستی که در زمان جشنواره به این مکان می‌آیند و بیش‌ترشان دانشجویان مدارس سینمایی هستند، اگر نتوانند در هتل‌های اطراف مستقر شوند، در چادرهای خوابشان در کنار رودخانه یا زیر درختان مزارع یا روی چمن زمین فوتبال بیتوته می‌کنند؛ البته برنامه‌های جشنواره آن چنان مفصل و متنوع است که برای یک دوستدار سینمای مستند، به همه‌ی دردهایش می‌آرد. به جز دو سالن کوچک که برای جشنواره ساخته شده، فیلم‌ها در سه چادر بزرگ دیگر و حتی داخل یک کانتینر که به سینمای سیار ۶۰ نفره تبدیل شده به نمایش درمی‌آیند و در پایان هر فیلم این امکان برای تماشاگران فراهم می‌گردد تا به صحبت‌های کارگردان فیلم و سینماشناسان مهمان گوش کنند و با آن‌ها به بحث و گفت‌وگو بپردازند.

جشنواره‌ی لوساس علاوه بر بخش‌های مختلف که در هر کدام از آن‌ها مستندهایی پیرامون یک موضوع خاص نمایش داده می‌شوند، هر ساله در بخش ویژه‌ی به سینمای مستند یک کشور می‌پردازد که امسال این بخش به سینمای مستند ایران اختصاص داده شده بود و در آن ۲۵ فیلم و اکثرآ از تولیدات سال‌های اخیر به نمایش درآمدند.

فیلم‌ها را دو فرستاده‌ی جشنواره به تهران انتخاب کرده بودند و می‌توان گفت که گزینش هوشمندانه و آگاهانه‌ی در سینمای مستند ایران نبود.

در جلسات نمایش این فیلم‌ها که سه روز پیاپی - صبح، بعدازظهر و شب - ادامه داشت، «ابراهیم مختاری» و «مسعود بخشی»، دو فیلمساز مهمان جشنواره و هم‌چنین خانم «انیلیس دو ویکتور»، فیلم‌شناس مقیم پاریس که مطالعات جامعی روی

سینما در نخستین گام‌های خود در سده‌ی ۱۹، هنوز خیال داستان‌سرایی نداشت؛ ورود قطار به ایستگاه و خروج کارگران از کارگاه، مستندی از وقایع ساده‌ی بود که «برادران لومیر» تصویر کردند. تاریخ این سینمای واقعیت‌نگار در ایران هم بازمی‌گردد به آشنایی «میرزا ابراهیم‌خان عکاسباشی» با سینماتوگرافی در پاریس. وی بعد از مراجعت به ایران و پیش از انقلاب مشروطه فیلم‌هایی از زندگی در دربار مظفرالدین‌شاه می‌گیرد که به نوعی اسناد تصویری باارزشی از دربار آن دوره به حساب می‌آیند.

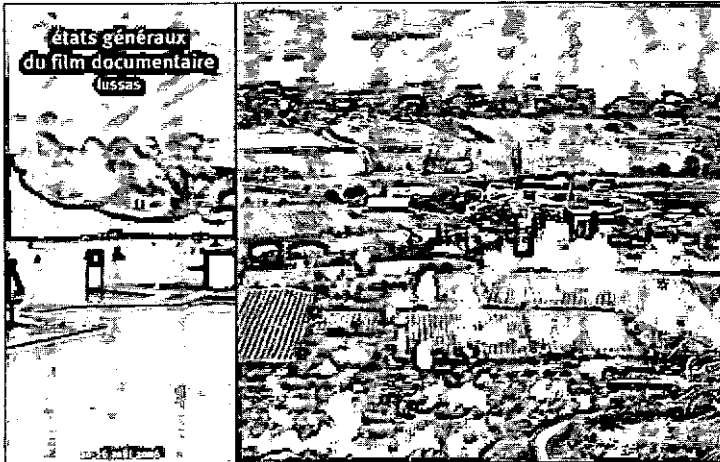
دهه‌ی ۳۰، دهه‌ی علاقه‌مندی نسل جدیدی از فیلمسازان به سینمای مستند بود که شاید بتوان از شاخص‌ترین آن‌ها در کنار «مصطفی فرزانه» و «فرخ غفاری»، «ابراهیم گلستان» را نام برد؛ آثار مستند گلستان در آن دوره، نخستین جایزه‌های بین‌المللی را نصیب سینمای ایران نمود.

دهه‌ی ۴۰ - هم‌زمان با بازگشت تعدادی از فارغ‌التحصیلان سینما از اروپا و پیوستن آن‌ها به بخش مستندسازی اداره‌ی هنرهای زیبا - را نیز می‌توان آغاز یک دوره‌ی پربار برای مستندهای ایرانی به شمار آورد. در این دوره فیلم‌هایی با نگاه مستقل و فرما و قالب‌های خاص پا به عرصه‌ی وجود گذاشتند؛ «گود مقدس» (فرید داریوش)، «ریتیم» (منوچهر طیاب)، «قلعه»، «ندامتگاه» و «تهران پایتخت ایران» (کامران شیردل)، «آوایی که عتیقه می‌شود» (خسرو سینیایی) و ... بخشی از آثار این دوره‌ی طلایی‌اند.

این روند رو به رشد تا دهه‌ی ۵۰ ادامه پیدا کرده و وقوع انقلاب اسلامی تحولی معنایی در آثار مستند پدید می‌آورد. در دهه‌ی ۶۰ آثار مستند جدی‌تری با مضامین اجتماعی و جنگی ساخته می‌شوند؛ از جمله آثار «فریدون جیرانی، ابراهیم مختاری، کیوان کیانی و محمد تهامی‌نژاد» درباره‌ی طرح بحران مسکن و هم‌چنین آثاری از «رخشان بنی‌اعتماد، خسرو سینیایی، عباس کیارستمی، محسن مخملباف و ...».

سینمای مستند امروز ما پس از گذشت چند دهه همچنان بار مشکلاتی را به دوش می‌کشد که شاکله‌ی اصلی آن‌ها کمبود بودجه و عدم برنامه‌ریزی هستند.

دوره‌ی جدید هرچند به خاطر ورود فیلم‌های دیجیتال و ویدیویی و تدوین خانگی راه را برای بسیاری از فیلمسازان از جهت ساخت آثاری بدون سفارش‌دهنده هموار گردانید، اما همچنان امید نمایش، کور سوی چراغی است که گاهی حتی رو به خاموشی می‌رود. در این میان، فیلمسازانی چشم به جشنواره‌های داخلی دوخته‌اند و محتوای آثارشان در این مسیر تغییرات فراوانی پیدا کرده است. تلویزیون هم در این سال‌ها



هر سال در بخش ویژه‌ی جشنواره‌ی لو ساس به سینمای مستند یک کشور می‌پردازد که امسال این بخش به سینمای مستند ایران اختصاص داده شده بود و در آن ۲۵ فیلم که اکثراً از تولیدات سال‌های اخیر بودند به نمایش درآمدند

که در دانشکده‌ی هنرهای زیبا مدل دانشجویان رشته‌های نقاشی، مجسمه‌سازی و عکاسی می‌شود؛ از نگاهی که دانشجویان به او دارند صحنه‌های جالبی در فیلم هست، ولی بهراستی بیرمرد که ساکت و بی‌حرکت در کارگاه یا طبیعت جلوی آن‌ها می‌نشیند چه می‌بیند؟ فیلم هیچ گفتار یا گفت‌وگویی ندارد و امامی با کمک ساعد نیک‌کلات فیلمبرداری، بابک شکیبا صداساز و محمد قاسمی تلوینگر، تماشاگرانش را ۱۰ دقیقه خیره به پرده نگه می‌دارد.

«یک گزارش کوتاه» ساخته‌ی ۱۰ دقیقه‌ی مسعود بخشی، داستان پیرزنی تنهاست که در اتاقی محقر به کارهایش می‌رسد، دوخت و دوز می‌کند، روی اجاق نفتی فرسوده‌اش غذا می‌پزد و برایش زندگی ادامه دارد.

«نقاشی کن» ساخته‌ی مازیار بهاری، فیلمی از زندگی خسرو حسن‌زاده، نقاشی است که یک میوه‌فروشی هم دارد؛ صحنه‌هایی که در آن‌ها با دوربین مخفی گفت‌وگوهای حسن‌زاده را با مشتریانش ضبط کرده‌اند، بسیار جذاب‌اند.

«موج بر ساحل» ساخته‌ی علی محمد قاسمی، فیلمی گرم و خوش‌ساخت از زندگی مردانی در سواحل خلیج فارس است که به کار قاچاق مشغول‌اند و زنان و فرزندانشان هم خواسته و ناخواسته در کار آن‌ها مشارکت دارند؛ استفاده از موسیقی محلی جنوب ایران و نی‌انبان، تجربه، با موفقیت انجام گرفته است.

«تنها در تهران» ساخته‌ی پیروز کلانتری، با فیلمبرداری خوب مرتضی پورصمدی و بازی بهناز جعفری، داستان بازیگر جوانی است که تنها در تهران زندگی می‌کند و با این که از نظر حرفه‌ی چندانی موفق نیست و درآمد کافی ندارد، در حفظ سلامت زندگی خود کوشاست.

فیلم‌هایی نیز بودند که مشابه آن‌ها در آثار فیلمسازان دیگر ایرانی دیده شده است؛ بی‌آن که بخواهم از تقلید سخنی گفته باشم، علت را بیش‌تر از همه بی‌خبری فیلمسازان جوان از ساخته‌های همکارانشان می‌دانم و این که احتمالاً فیلم‌ها نمایش گسترده‌ی ندارند.

### بزرگ‌ترین جشنواره‌ی فیلم مستند دنیا

بیستمین جشنواره‌ی فیلم مستند «ایدفا» می‌آمستردام ۲۲ نوامبر افتتاح شد.

سینمای ایران بعد از انقلاب دارد، به بحث و گفت‌وگو درباره‌ی فیلم‌ها می‌پرداختند و به سوالات تماشاگران پاسخ می‌دادند. به جز ۶ فیلم «زینت»، «زینت یک روز بخصوص»، «ملاخدیجه و بچه‌هایش»، «مکرمه، خاطرات و رؤیایا»، «چاره‌شنینی» و «زعفران» ساخته‌های «ابراهیم مختاری» که در برنامه‌ی مروری بر آثار او نشان داده شد و فیلم «روزگار ما» ساخته‌ی «رخشان بنی‌اعتماد» - که هر دو نفر فیلمسازانی پرتجربه و حرفه‌ی هستند - بیش‌تر فیلم‌ها فاقد جوهر و معنای فیلم مستند بودند.

علاقه‌مندان سینما بدون اندیشه‌ی کافی و تجربه‌ی فیلمسازی و یا به کار بردن دوربین‌های ویدیویی دیجیتال آثاری به وجود می‌آورند که بیش‌تر آن‌ها را می‌توان فیلم‌هایی تجربی یا گزارش‌های تلویزیونی گاه طولانی و خسته‌کننده به حساب آورد و اندک هوشمندی‌ها و ظرافت‌هایی که در برخی از فیلم‌ها دیده می‌شود، به علت تدوین ناکارآمد و طولانی شدن غیرضروری فیلم از کف می‌رود.

### نگاهی به چند فیلم تازه و برتر جشنواره

مونا زاهد که علاقه‌مند بود از جنگ ایران و عراق فیلم بسازد ولی به دلیل نوجوانی و دختر بودن اجازه پیدا نکرده بود، در نخستین روزهای بعد از سقوط طالبان به افغانستان رفت و فیلم «چیزی شبیه من» را ساخت؛ فیلم صحنه‌های دیدنی فراوانی دارد، اما متأسفانه به علت تدوین ضعیف و وجود صحنه‌های زاید، آن گونه که باید اثرگذار نیست.

ناهید رضایی سه سال پیش دوربینش را به یک دبیرستان دخترانه‌ی تهران که خود ۲۰ سال پیش‌تر در آن تحصیل می‌کرده است برده و فیلم «خواب ایریشم» را ساخته است. رضایی در گفت‌وگو با دانش‌آموزان از آن‌ها می‌خواهد که به او بگویند برای آینده چه آرزوهایی دارند و درباره‌ی ۲۰ سال بعد خود چه فکری می‌کنند.

«حرف‌هایت را پنهان کن» ساخته‌ی بهنام بهزادی، از دو خواهر ایلدایی بختیاری می‌گوید که با سنت ازدواج دختران عشایری در سنین پایین مخالف‌اند و می‌خواهند تحصیلاتشان را تا مراحل عالی ادامه دهند؛ نمایش پدرسالاری در این فیلم، دیدنی است.

«او چه می‌بیند» ساخته‌ی فیما امامی، داستان مرد سالمندی است

**the forum**  
for international  
co-financing  
of documentaries



**idfa**

حدود ۹ فیلم ایرانی در  
جشنواره‌ی ایدفا حضور داشتند؛  
امسال بخشی به نام ۱۰ فیلم  
منتخب مازیار بهاری هم به این  
جشنواره اضافه گردید که علاوه  
بر معرفی و نمایش فیلم‌های  
محبوب این مستندساز ایرانی مقیم  
کانادا، دلایل و شرایط مربوط به  
این انتخاب نیز در یک کارگاه مجزا  
توضیح داده شد

زندگی پنج شخصیت (دو زن، یک روحانی، یک بسیجی و یک کودک) به سراغ مشکلات اجتماعی و محدودیت‌های زندگی هر کدام از آن‌ها می‌رود. در فیلم از چهره‌ی همیشگی ایرانی‌ها خبری نیست و با ثروت، آواز خوانی، ورزش، فعالیت اجتماعی و زندگی خصوصی افراد در سطوح مختلف جامعه روبه‌رو هستیم.

فرخ‌منش اظهار می‌داشت: «با گذاشتن نام در محور شرارت برای فیلمی با محتوای متفاوت، می‌خواستیم به جهان نشان دهیم آمریکا قرار است با چه کشوری به جنگ بپردازد؛ ایران واقعی و زندگی روزمره‌ی مردم ایران، چیز دیگری است که در رسانه‌های خارجی نشان داده می‌شود».

مازیار بهاری - مستندساز و روزنامه‌نگار - درباره‌ی موضوعات مربوط به جنگ در این جشنواره گفت: «به دلیل جنگ افغانستان و عراق مهم بود که به این موضوع پرداخته شود».

او که خود در مورد عراق دو فیلم ساخته بیان کرد: «وقتی از من خواسته شد ده فیلم معرفی کنم، به این فکر کردم دو فیلم راجع به جنگ انتخاب کنم؛ یکی به طرفداری از جنگ و دیگری ضدجنگ، اما فیلم مستندی که مربوط به طرفداری از جنگ باشد پیدا نکردم. دنبال این می‌گشتم تا مستندی پیدا کنم که حماقت جنگ‌طلب‌ها را نشان دهد».

بهاری گفت: «بعد از یازده سپتامبر جنگ تم اصلی جهان شده و این فقط دغدغه‌ی مستندسازان نیست».

مدیران مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی برای این که بتوانند جشنواره‌ی معتبر و درخور توجه سینماگران جهانی داشته باشند راهی بسیار سخت در پیش دارند، به این خاطر که در حال حاضر جشنواره‌ی فیلم مستند «ایدفا»ی آمستردام هلند و جشنواره‌های «هات داکر» کانادا و «مارسی» فرانسه بسیار شناخته‌شده و مورد توجه کارگردانان جهانی در این عرصه هستند؛ در آسیا نیز یک جشنواره‌ی مستند بین‌المللی قابل اعتنا با عنوان «یاماگاتا» وجود داشته که هر ساله در کشور ژاپن برگزار می‌شود و مورد استقبال مستندسازان کشورهای مختلف قرار دارد، قدمت و اعتبار این جشنواره به اندازه‌ی این است که بتواند شرکت‌کنندگان را از مناطق مختلف جهان به خود فرا بخواند. در چنین شرایطی، رقابت برگزارکنندگان ایرانی جشنواره‌ی آثار مستند دشوار خواهد بود ■

این جشنواره‌ی معتبر که از مهم‌ترین رویدادهای حوزه‌ی سینمای مستند جهان و بزرگ‌ترین جشنواره‌های مستند بین‌المللی به شمار می‌رود، به «کن سینمای مستند» معروف بوده و مرکزی است که همه ساله فیلم‌های مستند برتر در آن شناسایی شده و به سرعت در بازار فروش فیلم مطرح می‌شوند. ایدفا محل ملاقات صدها فیلمساز از کشورهای مختلف، دانشجویان و هنرجویان فیلمسازی و خزیداران و بخش‌کنندگان فیلم از سراسر جهان است که در طول روزهای جشنواره با نگاه‌ها و تجربیات جدیدی در فیلم‌ها آشنا می‌شوند. شاید بتوان این‌گونه بیان کرد که هلند تنها کشوری است که سینمای مستندش جایگاه بالاتری نسبت به سینمای داستانی‌اش دارد و به کمک این جشنواره توانسته است نماینده‌ی سینمای مستند جهان باشد و پیشگامی خود را در این زمینه حفظ کند.

در ۱۱ روز ایدفا بیش از ۳۲۱ فیلم مستند در بخش‌های مختلف مسابقه‌ی گرگ نقره‌ی، نمایش نخست، مستند انیمیشن، پاناراما، منتخب تماشاگران، مسابقه‌ی یورپس ایونس و ... به نمایش درآمدند. امسال بخشی به نام ۱۰ فیلم منتخب مازیار بهاری هم به این جشنواره اضافه گردید که علاوه بر معرفی و نمایش فیلم‌های محبوب این مستندساز ایرانی مقیم کانادا، دلایل و شرایط مربوط به این انتخاب نیز در یک کارگاه مجزا توضیح داده شد؛ دو فیلم از ده فیلم منتخب بهاری، فیلم‌های «لون شب که بارون اومد» ساخته‌ی «کامران شیردل» و «جابه‌نشینی» ساخته‌ی «براهیم مختاری و کیوان کیانی» بود.

در جشنواره‌ی امسال، فیلم‌های ایرانی که چهره‌ی متفاوتی را از ایران نشان دادند بیش‌تر به چشم آمدند. حدود ۹ فیلم ایرانی در جشنواره‌ی ایدفا حضور داشتند؛ «پشت آن تپه‌ی برفی» ساخته‌ی «رامتین لوفایی‌پور» در بخش پارادوکس، هشت فیلم از «مازیار بهاری» مانند «فوتیبال به سبک ایرانی»، «حمد و دلال»، «هدف»، «خبرنگاران در عراق»، «عنکبوت می‌آید» و ... در بخش مرور آثار این فیلمساز و همین‌طور «تهران اتار ندارد» ساخته‌ی «مسعود بخشی» که در بخش یان فرایمان نمایش داده شد. همچنین یک فیلم ایرانی دیگر به نام «در محور شرارت» ساخته‌ی «محمد فرخ‌منش» - از کشور آلمان و با تهیه‌کننده‌ی آلمانی - در این جشنواره به نمایش درآمد. این فیلم با بررسی